

# رویارویی غیر آتشین با ایران در ورشو



مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا، روز جمعه یازدهم ژانویه مصاحبه‌ای با شبکه خبری فاکس نیوز در قاهره داشت و در این مصاحبه اعلام کرد که لهستان در روزهای سیزدهم و چهاردهم ماه آینده میزبان کنفرانسی علیه ایران خواهد بود. او مدعی شد که ما دهها کشور از مناطق مختلف جهان را برای شرکت در این کنفرانس دور هم جمع خواهیم کرد تا برای «ارتقای ثبات، امنیت و آزادی در منطقه غرب آسیا و بسا هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران» بحث و گفت‌وگو کنند. این ادعاهای پمپئو باب تازه‌ای از تنش ایجاد کرده که جدا از اعتراض شدید ایران به لهستان، فراخوانی کاردار سفارت لهستان در ایران به وزارت خارجه و آمدن ماجی‌ای لانگ، معاون وزارت خارجه لهستان به تهران، معلوم نیست که موضع دیگر کشورها و به خصوص کشورهای اروپایی نسبت به برگزاری این کنفرانس چه خواهد بود. در صورت، سخنان پمپئو آشکارا به معنای رویارویی جدید دولتش با امریکاست که برخی آن را به اسم رویارویی غیر آتشین خوانده‌اند که باید دید انگیزه و جهت‌گیری این رویارویی به چه نحو است.

**ناکامی دیپلماتیک امریکا**  
به طور کلی باید گفت که اصل مصاحبه پمپئو و پروپاگاندای او از جهتی محصول شکست دیپلماتیکی بود که قبل از او و در سفر جان بولتون، مشاور امنیت ملی امریکا به منطقه ایجاد شده بود. انگیزه اصلی از سفر بولتون به منطقه در اوایل ماه ژانویه چیزی نبود جز تصمیم ناگهانی دونالد ترامپ برای خروج نیروهای امریکایی از سوریه. این تصمیم آنقدر غیرمنتظره و شوک‌برانگیز بود که جیمز ماتیس در مخالفت با آن از مقام امریکا از جمله رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی را شوک‌زده کرد. بولتون برای تخفیف نگرانی‌ها بابت این تصمیم به منطقه آمد و دو مأموریت داشت. اولین مأموریت او اطمینان دادن به رژیم صهیونیستی بود تا بابت خروج نیروهای امریکایی از سوریه نگرانی نداشته باشد. دومین مأموریت بولتون به ترکیه بود تا به کردهای سوریه اطمینان خاطر بدهد که امریکانها را فراموش نکرده و اجازه هجوم همه‌جانبه نیروهای ترکیه به شرق رود فرات و قلع و قمع آن را نمی‌دهد. باید گفت که بولتون در هر دو مأموریت خود ناکام ماند. مصاحبه مطبوعاتی مشترک بولتون با نتانیاهو بدون اجازه طرح پرسشی از خبرنگاران بر گزار و معلوم شد که بولتون حاضر نشده در خواست نتانیاهو در مورد جولان اشغالی را قبول کند. نتانیاهو قبلاً از امریکا خواسته بود تا الحاق جولان اشغالی به رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد و حتی در این مصاحبه مشترک نیز با گفتن سفر به جولان اشغالی به این موضوع کرد که پاسخ بولتون فقط سکوت بود. به این ترتیب، مأموریت بولتون به سرزمین اشغالی و اطمینان خاطر دادن به صهیونیست‌ها جز کالی گویی‌های همیشگی نتیجه‌ای دیگر نداشت اما مأموریت دوم او نتیجه‌ای بفرنج‌تر به بار آورد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نه تنها حاضر به دیدار با او نشد و برنامه ملاقاتشان را لغو کرد بلکه به تندی تمام گفت: «بولتون مرتکب اشتباهی بزرگ شده

است. ما نمی‌توانیم به کسانی که در داخل کریدور تروریستی سوریه قرار گرفته‌اند خوش‌یابور باشیم.» به این ترتیب، بولتون با شکست در دو مأموریتش و حتی سرشکستگی ترکیه را ترک کرد تا نوبت به سفر دوره‌ای پمپئو به منطقه رسید تا این بار دیپلماتی شکست خورده پمپئو را از زاویه دیگری و با نگاه به کشورهای عربی منطقه به اجرا در آورد.

**مأموریت نیمه تمام**  
پمپئو سفر دوره‌ای هشت روزه خود به منطقه را با همان انگیزه و دلیل انجام داد. سخنرانی او در قاهره به خوبی نشان داد که برخلاف بولتون، محور مأموریت خود را بر مبنای تحولات سوریه قرار نداده و تنها تکیه بر وجهه ضد ایرانی امریکا دارد. در واقع امریکا با شکست در سفر بولتون محور مأموریت پمپئو را تغییر داد تا نگرانی متحدین خود را دست کم بر مبنای این محور بر طرف کند. باید گفت که نکته کلیدی این محور همان سخنانی بود که پمپئو در مصاحبه گفت و خبر از برگزاری کنفرانس ورشو داد و بعد هم در دوحه قطر سعی کرد تا در این مورد بزرگ‌نمایی کند و در مقابل خبرنگاران گفت: «کشورهایی از آسیا، آفریقا و سرتاسر جهان حضور خواهند داشت و تنها محدود به امریکا، اروپا و خاورمیانه نخواهد بود.» شاید او تصور می‌کرد که با طرح این موضوع توانسته میزبانان عرب خود را راضی کرده باشد اما سخنان تند و به شدت انتقادی ترکی الفیصل نشان داد که او به این هدف نرسیده و لفاظی‌های تندش علیه ایران برای افرادی مثل او چیزی تازه و قابل توجه نیست. این شاهزاده کهنه کار خاندان آل سعود که سخنانش از نظر رسانه‌ها و تحلیلگران به نوعی موضع غیر رسمی رژیم عربستان است، در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی به شدت تصمیم ترامپ را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «از نظر من این اقدامات امریکا اوضاع را پیچیده‌تر و دستیابی به راه‌حل را نیز سخت‌تر می‌کند، همچنین نه تنها باعث تقویت نفوذ ایران بلکه باعث تقویت روسیه و بشار اسد نیز خواهد شد. از این منظر این تصمیم بسیار منفی است.» ادوارد وونگ، تحلیلگر روزنامه نیویورک تایمز در مقاله روز ۱۴ ژانویه انتقاد ترکی فیصل از تصمیم ترامپ را به این نحو بیان کرد: «ترامپ با خروج نیروهای امریکایی از سوریه هر گونه اهرمی برای کنترل ایران و نیروهای مورد حمایتش را کنار گذاشته و حالا پمپئو از شرکای عرب امریکا انتظار دارد تا به دنبال کنترل ایران و نیروهای منطقه‌ای آن باشند.» باید گفت که تناقض در سیاست منطقه‌ای امریکا در حدی است که کسی را در منطقه راضی نکرد و انتقادهای فیصل نهاد آشکار این عدم رضایت است و به همین دلیل بود که پمپئو مجبور شد به بهانه فوت یکی از بستگان، مأموریت خود را ناتمام بگذارد و به امریکا بازگردد.

**روایت سوم**  
به نظر می‌رسد که کنفرانس ضد ایرانی در ورشو روایت سوم امریکا بعد از شکست در دو روایت بولتون و پمپئو است. امریکا همانند دو روایت قبلی آنقدر در تدوین این روایت عجول بوده که معلوم نیست دستاوردی بهتر از دو روایت قبلی داشته باشد. در واقع امریکا در حالی سرگرم مقدمه‌چینی این روایت است



## افول غرب و ظهور شرق در ۳۰ سالگی فروپاشی بلوک شرق

۳۰ سال از زمان فروپاشی بلوک شرق که شوروی سابق به مدت چندین دهه رهبری آن را به عهده داشت، می‌گذرد.

بلوک شرق شامل بخش گسترده‌ای از کشورهای اروپای شرقی و دیگر سرزمین‌های جهان آن روز می‌شد که حول محور شوروی سابق گرد آمده بودند و جمهوری خلق چین که از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی با مسکو اختلاف‌های گسترده‌ای داشت، در این محور قرار داشت. با این تفاوت که مشکلات داخلی چین به این کشور اجازه نمی‌داد بتواند نقش گسترده‌ای را در جهان آن روزگار ایفا کند و تأثیرگذاری آن بسیار کمتر از شوروی سابق بود.

با پایان دوران بلوک شرق، نقش آفرینی پیمان ورشو نیز به پایان راه خود رسید اما پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که به بهانه رویارویی با بلوک شرق شکل گرفته بود، به راه خود ادامه داد و حتی دامنه آن از اروپای غربی به برخی کشورهای اروپای شرقی از جمله لهستان نیز کشیده شد و ورشو (پایتخت لهستان) به مرکز مهمی و هژمونی ایالات متحده امریکا و یکجانبه‌گرایی این کشور در سطح جهانی تبدیل شد. در این زمان ۱۰ ساله امریکا تلاش کرد مفهوم امپراطوری یگانه در جهان را به نمایش بگذارد و به دیگر سخن، دهه ۹۰ قرن بیستم، دوران طلایی یکجانبه‌گرایی امریکا در عرصه بین‌الملل به شمار می‌رود و امریکا کوشید با بهره‌گیری از چتر جهانی شدن، سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی خود را بر جهان تحمیل کند.

جهان در ابتدای قرن بیست و یکم در حالی از آشفتگی و تضاد مفاهیم که حاصل دوران جنگ سرد بود، به سر می‌برد. اکنون یکی از قطب‌های جهانی (شوروی سابق) فروپاشیده و از صحنه جغرافیا حذف شده است و در مقابل، امریکا از قدرت و یکپارچگی بیشتری برخوردار و یکنه‌تاز جهان شده است.

با پایان جنگ سرد و افزایش قوای امریکا، سیاست‌های ایالات متحده بر کشورهای جهان دیکته می‌شد و امریکا خواهان آن بود بر همه مناطق جهان سیطره داشته باشد و هیچ رقیبی را نیز (حتی از میان متحدانش در اروپای غربی) بر نمی‌تافت. از این رو امریکا در تلاش بود نفوذ فرهنگی خود را بر کشورهای اروپایی توسعه دهد تا اروپا از هژمونی امریکا خارج نشود و به استقلال دست نیابد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله نظامی ایالات متحده امریکا و همپیمانانش به عراق و افغانستان و نتایج زاینبار جنگ‌افروزی سیاستمداران کاخ سفید، بسیاری از کشورها به انتقاد رویکرد یکجانبه‌گرایی امریکا در رهبری جهان پرداختند و در این دوران، رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین توانست نهضت توسعه‌گرایی در روسیه را مدبریت کند که این نهضت با توسعه سیاسی و اقتصادی چین همراه شد.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده، فصل جدیدی در روابط امریکا و همپیمانان اروپایی‌اش گشوده شد. ترامپ طرف دو سال گذشته از برخی توافق‌های بین‌المللی مورد حمایت اروپا همچون معاهده محیط زیست و توافق هسته‌ای با ایران خارج شده و علاوه بر این، قاره سبز را برخی تصمیم‌های ترامپ از جمله اعلام قدس به عنوان پایتخت اسرائیل و ایجاد تعرفه‌های گمرکی بر صادرات اروپایی، مخالفت کرد و تشویق انگلستان برای خروج از اتحادیه اروپا از سوی امریکا، راه به جایی نبرد.

با آغاز دوران ریاست جمهوری ترامپ، امریکا سیاست دوری از جهانی شدن را در پیش گرفت و اگر کسی اظهارات شخصیت‌های راستگرای افراطی در کشورهای اروپایی را دنبال کند، شباهت بسیاری میان این سخنان با گفته‌ها و سخنان ترامپ خواهد یافت و وجه مشترک میان آنان، سخنان ضد جهانی‌سازی و نژادگرایانه است.

اروپا در شرایط کنونی از بحران‌های سیاسی و اقتصادی رنج می‌برد و دامنه اختلاف‌های اروپا و ایالات متحده امریکا گسترش یافته است. از سوی دیگر، قدرت کشورهای شرقی به ویژه روسیه و چین در حال گسترش بوده و دامنه نفوذشان در مناطق گوناگون جهان روز به روز بیشتر می‌شود. از این رو می‌توان گفت با گذشت ۳۰ سال از فروپاشی بلوک شرق، قدرت غرب در حال افول بوده و شرق دوباره به عرصه بین‌الملل بازگشته است.

منبع: رأی‌الایوم ۲۰۱۹/۰۱/۲۲

**نوبت اول**  
**آگهی مزایده ۰۲-۰۹۳۰-م-۹۷**

**شرکت صنایع هواپیمایی ایران در نظر دارد آهن آلات ضایعاتی خود را از طریق مزایده به فروش برساند.**

لذا علاقمندان می‌توانند جهت بازدید و دریافت مدارک مربوطه در تاریخ‌های **دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۸** و **سه شنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۹** راس ساعت **۸:۱۵** الی **۱۰:۰۰** و **۱۰:۱۵** (صبح) مقابل درب تاسیسات شماره یک شرکت، به نشانی: **تهران کیلومتر ۳ جاده مخصوص کرج- بعداز پل شهید ستاری- ضلع جنوبی پل صنایع هوایی- شرکت صنایع هواپیمایی ایران حضور بهم رسانند.**

شماره های تماس: **۶۴۵۲۲۲۸۸-۶۴۵۲۲۷۹۳**

م‌الف: **۴۰۳**

**آگهی مناقصه عمومی**

**نوبت اول**

**«انجام عملیات اجرایی فاز یک پارک بانوان»**

**شهرداری شاهرود در نظر دارد نسبت به انجام عملیات اجرایی فاز یک پارک بانوان از طریق تجدید مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به امور قراردادهای شهرداری شاهرود مراجعه و جهت کسب اطلاعات بیشتر از موضوع آگهی همه روزه به جزء ایام تعطیل در وقت اداری با تلفن ۳۲۳۳۳۹۶۰-۰۲۳ حوزه عمران شهرداری تماس حاصل فرمایند. ضمناً متن آگهی در سایت شهرداری به آدرس [www.shahrood.ir](http://www.shahrood.ir) جهت مشاهده متقاضیان قابل رویت و بهره‌برداری می‌باشد.**

مهلت دریافت اسناد مزایده تا پایان وقت اداری **روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳** می‌باشد.

نوبت اول: **۱۳۹۷/۱۱/۱۴** - نوبت دوم: **۱۳۹۷/۱۱/۱۳**

شهر دار شاهرود- محسن احمدی

**سازمان آگهی‌های روزنامه جوان**

**تلفنی آگهی می‌پذیرد**

**۸۸۳۴۱۶۵۴**